

Verb Conjugation in Ardalani (Sanandaji) Dialect of Kurdish *

Mohammad Motallebi¹ | Yadollah Pashabadi²

Abstract

1. Introduction

Ardalani dialect belonging to the central group of Kurdish dialects, is mainly spoken in Sanandaj and its suburbs. The word “Ardalani” is derived from the name of Ardalan family who had ruled over the city. The dialect is also known as “Sanandaji (Sene’i)”. This article is devoted to the verb conjugation in Ardalani.

2. Methodology

This study is based on the descriptive analysis method with a synchronic approach. Analyzing the data, the verb conjugation system of verb was described, including verb components (stem and inflectional affixes), types of verb according to tense, mode, aspect, voice as well as infinitive and participles. Modal verbs were also discussed.

* Article history:

Received 1 May 2023

Received in revised form 19 December 2023

Journal of Iranian Studies, 22(44), 2023

Accepted 19 December 2023

Published online: 22 December 2023

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. (Corresponding Author) Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. Email: motallebi@uk.ac.ir
2. Associate Professor, Kurdish language and Literature Department, Faculty of Language and Literature, Kurdistan University, Sanandaj, Iran. Email: y.pashabadi@uok.ac.ir

3. Discussion

3-1. verb components

3-1-1. stem: verb has 2 stems: present stem (also denominative, passive and causative), past stem (also secondary). Causative affix and passive affix are respectively $-\bar{e}n$, and ${}_y\bar{e}$ attaching to the present stem. Secondary past stem is made by adding $-i$, $-\hat{a}$ or $-y\hat{a}$ to the present stem.

3-1-2. Inflectional affixes of the verb, $b(e)$ - is used for subjunctive and imperative modes. The continuity prefix is a -. Na - is used for negation. The negation prefix for the imperative is ma - or na -. Personal endings are $-em$, $-i(t)$ and $-\bar{e}(t)$ for singular, and $-in$, $-en$ and $-en$ for plural.

3-2. verbal derivatives: The suffix for infinitive is $-(e)n$ which attaches to the past stem. Past active participle and past passive participle are formed by adding $-(e)g$, respectively to the past stem of intransitive and transitive verbs.

3-3. tense, mode and aspect:

Present indicative and present subjunctive are made respectively by a - and be - + present stem + the personal endings. $b\bar{u}n$, 'to be' in present indicative has enclitic forms as well as free forms. Present progressive is made by using the present of $xar\bar{i}k\ b\bar{u}n$, 'to be busy'. Imperative is only for 2nd person, and is made by present stem and the personal endings, $-a$ (singular) and $-(e)n$ (plural).

Past conjugation for transitive verbs is different from that of the intransitive; Transitive verbs have the ergative structure in which the enclitic personal pronouns have the function of the personal endings, and come at the end of the past stem as the personal endings do. They can also attach to some words before the verb, such as the object, adverb, negation, continuity prefix or verbal prefix.

Simple past is made by past stem + personal endings (intransitive) or the enclitic personal pronouns (transitive). In continuous aspect, a -

comes before the simple past. In present perfect of intransitive verbs, present enclitic forms of *būn*, ‘to be’ follow the past participle but in the case of the transitive verbs, present perfect is made by the past participle + the enclitic personal pronouns + *-a*, present 3rd person singular of *būn*, ‘to be’. In past perfect of intransitive verbs, past enclitic forms of *būn*, ‘to be’ follow the past participle but in the case of the transitive verbs, past perfect is made by the past participle + the enclitic personal pronouns. Past progressive is made by using the past of *xarîk būn*, ‘to be busy’ Passive voice is made by means of the passive stem.

3-4. Modal verbs: *garak būn*, ‘to want’ and *twânin*, ‘can, to be able’ are personal modal verbs. The main verb is present subjunctive. *şeyân*, ‘must’ is impersonal. The main verb is present subjunctive. It does not appear as infinitive.

4. Conclusion

According to the description given, on the conjugation system of verb, the most important features of Ardalani can be summarized as follows.

- The most obvious characteristic of Ardalani, regarding the types of the verb stems is the presence of passive stem which most of the new Iranian languages and dialects lack it.
- In Ardalani *būn*, ‘to be’ has two forms: enclitic forms and free forms. Ardalani lacks future verbs; present tense is used for future either.

The main feature in the conjugation system of the verb is the use of ergative construction in the past tense of the transitive verbs. In this construction, enclitic personal pronouns have the function of the personal endings and are an integral part of the verb. Even when the subject is mentioned, they are not deleted.

Keywords: Ardalani dialect (Sanandaji), Kurdish , verb conjugation, ergativity , Iranian languages.

How to cite: Motallebi, M. & Pashabadi, y. (2023). Verb Conjugation in Ardalani (Sanandaji) Dialect of Kurdish. *Journal of Iranian Studies*, 22(44), 531-561.
<http://doi.org/10.22103/JIS/JIS.2024.21422.2480>



صرف فعل در گویش کردی اردلانی (سنندجی)*

(علمی-پژوهشی)

محمد مطلبی (نویسنده مسئول)^۱ یدالله پشآبادی^۲

چکیده

گویش کردی اردلانی یکی از گویش‌های گروه مرکزی زبان کردی است که عمدتاً در سنندج و شهرهای پیرامون آن رایج است. نام این گویش از خاندان اردلان که فرمانروایان این شهر و مناطق همجوار آن بوده‌اند، گرفته شده است و به سنندجی (سنه‌ای) نیز معروف است. این پژوهش که با روش میدانی انجام شده است، به توصیف صرف فعل در این گویش می‌پردازد و در آن مباحثی چون اجزای صرفی فعل (ماده‌ها، تکواژهای ماده‌ساز، پیش‌فعل‌ها و شناسه‌ها)، ساخت زمان‌ها و وجه‌ها و باب‌های گوناگون و نیز فعل‌های کمکی و فعل‌های وجهی بررسی شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، یکی از ویژگی‌های گویش کردی اردلانی، کاربرد ماده مجهول است و دیگری شیوه صرف

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۲، شماره ۴۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۳۱-۵۶۱
ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
حق مؤلف © نویسندگان



۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. رایانامه: motallebi@uk.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات کردی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: y.pashabadi@uok.ac.ir

متفاوت افعال لازم و متعدی در زمان ماضی است. در صرف ماضی افعال متعدی، از یک ساخت نحوی به نام ساخت ارگتیو استفاده می‌گردد که در آن، ضمائر شخص متصل به جای شناسه‌های فعل به کار می‌روند.

واژه‌های کلیدی: گویش اردلانی (سنندجی)، زبان کردی، صرف فعل، ساخت

ارگتیو، زبان‌های ایرانی

۱. مقدمه

زبان کردی یکی از زبان‌های ایرانی دوره جدید است که علاوه بر ایران، در چندین کشور دیگر از جمله در عراق، ترکیه، ارمنستان و سوریه متداول است. این زبان متعلق به شاخه شمالی از گروه غربی زبان‌های ایرانی نو است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۶۰).

زبان کردی گویش‌های بسیار متعدد و مختلفی دارد که در موارد زیادی، گویشوران آن‌ها قادر به درک متقابل و ایجاد ارتباط کلامی با یکدیگر نیستند؛ برخی از آنان تبدیل به زبانی ادبی نیز شده‌اند و آثاری از نظم و نثر بدان‌ها نوشته شده و باقی مانده است. زبان‌شناسان گویش‌های کردی را به سه زیر گروه تقسیم کرده‌اند: ۱- گروه شمالی شامل گویش گرمانجی رایج در ترکیه، شمال آذربایجان غربی، خراسان و بلوچستان ایران، کردی رایج در ارمنستان، گویش بادینانی رایج در عراق ۲- گروه مرکزی شامل گویش سورانی رایج در عراق، گویش مُکری (مُکریانی) رایج در جنوب آذربایجان غربی، گویش سنندجی (سنه‌ای) ۳- گروه جنوبی شامل گویش‌های کرمانشاهی، سنجایی و کلهری و لکی (بلو، ۱۳۸۳: ۵۴۲-۵۴۴).

۱-۱. گویش اردلانی

گویش کردی متداول در شهر سنندج، مرکز استان کردستان، «سنندجی» یا «سنه‌ای» نامیده می‌شود که به گویش «اردلانی» نیز معروف است. نام اردلانی منسوب به خاندان

اردلان، فرمانروایان شهر سنندج و مناطق پیرامون آن است که مدتی کردستان را اداره می کرده‌اند. این گویش امروزه به طور عمده در مرکز و قسمت‌های جنوبی و جنوب غربی استان کردستان، یعنی شهرهای دیواندره، سنندج، دهگلان، و کامیاران و بخشهایی از استان کرمانشاه رایج است و به واسطه داشتن قوت بیان و تعبیر قابل توجه، در شعر و ادبیات نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

گویش‌های همجوار با گویش اردلانی عبارت‌اند از: مکرانی از سمت شمال و شمال غرب، هورامی از سمت غرب و کلهری از سمت جنوب. گویش مکرانی عمدتاً در حوزه استان آذربایجان غربی و شهرهای سقز و مریوان و بانه در استان کردستان رایج است. مقاله حاضر، موضوع صرف فعل را در گویش اردلانی مورد مطالعه و توصیف قرار داده است.

۱-۲. روش تحقیق

داده‌های این تحقیق یعنی مواد زبانی، شامل جمله‌ها و عبارت‌های معمول در این گویش، با استفاده از روش میدانی و نیز شمّ زبانی یکی از نگارندگان گردآوری شده است. سپس قواعد مربوط به مقولات مختلف صرف فعل شامل اجزای صرفی فعل (ماده‌ها، تکواژهای ماده‌ساز، پیش‌فعل‌ها و شناسه‌ها)، ساخت انواع فعل از نظر زمان، وجه، نمود و باب، و سرانجام فعل‌های کمکی و فعل‌های وجهی گویش بررسی شده است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

درباره زبان کردی به طور عام و شاخه‌های آن به طور خاص، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. شاید یکی از قدیمی‌ترین نظرها و دسته‌بندی‌ها درباره زبان کردی را میرشرفخان بدلیسی انجام داده باشد. وی که اثر معروف خود با عنوان «شرفنامه» را در سال ۱۰۰۵ هـ. ق. تألیف کرده است، صرفاً درباره شاخه‌ها و دسته‌های این زبان سخن رانده است (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۳). بررسی صرفی و نحوی این زبان به طور خاص در قرن‌های اخیر

آغاز شد. از جمله می‌توان به کوشش‌های توفیق وهبی و محمد امین زکی‌بیگ اشاره کرد که درباره دستور زبان کردی آثار متعددی نگاشته‌اند. در این بخش تلاش‌های خاورشناسان و زبان‌شناسان غربی را نیز نباید از نظر دور داشت که از جمله می‌توان از ولادیمیر مینورسکی نام برد که درباره زبان کردی و تاریخ و ساخت آن پژوهش‌هایی انجام داده است. کارهای علمی شناخته شده و قابل دسترسی در موضوع بررسی‌های زبان‌شناختی زبان کردی به شرح زیر است:

بلو (۱۳۸۳) در پژوهشی درباره زبان کردی در کتاب «راهنمای زبان‌های ایرانی»، به اختصار، زبان کردی را از لحاظ رده‌شناسی، تقسیمات آن و ویژگی‌های زبانی بررسی کرده است. وی در بخشی از مبحث صرف، مهم‌ترین ویژگی‌های فعل کردی را ذکر کرده است.

کلباسی (۱۳۶۲) گویش کردی مهاباد را بررسی کرده است. وی در قسمتی از مبحث صرف، به مقوله فعل پرداخته است. کریمی دوستان (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «حفظ یک ماده‌ساز باستانی در ساخت فعل مجهول در کردی»، تنها فعل مجهول کردی را بررسی کرده است.

۲. بحث و بررسی

در این بخش ابتدا اجزای صرفی فعل شامل ماده و انواع آن، تکواژهای ماده‌ساز، وندهای تصریفی فعل شامل پیش‌فعل‌ها و شناسه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن، مفصلاً به مبحث ساخت انواع فعل براساس وجه، زمان، نمود و باب پرداخته شده است و برای هر مورد مثال‌هایی ذکر گردیده است. در ادامه، فعل‌های کمکی و فعل‌های وجهی گویش و کاربرد آن‌ها بیان شده است.

۲-۱. ماده

در گویش کردی اردلانی فعل دو ماده اصلی مضارع و ماضی دارد که از آن‌ها در ساخت افعال مختلف استفاده می‌شود. همچنین، ماده‌های جعلی، واداری و مجهول^۵ نیز در این گویش وجود دارد.

۲-۱-۱. ماده مضارع و ماضی: ماده مضارع در ساخت زمان مضارع (اخباری و التزامی) و فعل امر به کار می‌رود، و ماده ماضی در ساخت زمان‌های ماضی (ساده، استمراری و التزامی) به کار می‌رود.

ماده ماضی	ماده مضارع	
di-	wēn-	دیدن
kerd-	ka-	کردن
šekând-	šekēn-	شکستن
dâ-	da-	دادن
berd-	wa-	بردن
hâwerd-	(t)ēr-	آوردن
wet-	ēž-	گفتن
kaft-	kaf -	افتادن
xaft-	xaf-	خوابیدن
xest-	xa-	انداختن
čū-	č-	رفتن / شدن
xwârd-	xwa-	خوردن
hât-	(t)ē-	آمدن
bū-	w-	بودن

۲-۱-۲. ماده واداری (سببی)

این ماده با افزون تکواژ واداری ساز «-ēn» به ماده مضارع غیر واداری ساخته می‌شود. برای ساخت ماده ماضی، تکواژ ماضی ساز «-d» به ماده مضارع واداری افزوده می‌شود. در این صورت تکواژ واداری ساز «-ēn» به گونه «-ân» تبدیل می‌شود. معمولاً «-d» بعد از «-ân» حذف می‌شود.

معنی	ماده ماضی واداری	ماده مضارع واداری	ماده مضارع غیر واداری
ریختن (متعدی)	warân-(d)-	war-ēn _	war-
انداختن	fem-ân.(d)-	fem-ēn _	fem-
رساندن	gay-ân-(d)-	gay-ēn _	gay-
شناساندن	nâs-ân.(d)-	nâs-ēn _	nâs-

۲-۱-۳. ماده مجهول

در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو فعل مجهول معمولاً از صفت مفعولی و صرف فعل‌های کمکی «شدن» یا «بودن» ساخته می‌شود. در زبان‌ها و گویش‌های معدودی از جمله در زبان کردی، فعل مجهول با ماده مجهول ساخته می‌شود. در اردلانی ماده مجهول دو نوع ماضی و مضارع دارد. ماده مضارع مجهول از ماده مضارع متعدی و تکواژ «yē» (در مواردی «rē») ساخته می‌شود. ماده ماضی مجهول با افزودن تکواژ ماضی ساز «-â» ساخته می‌شود که از ادغام آن با «yē»، «yâ» حاصل می‌شود. مانند:

معنی	ماده مجهول ماضی	ماده مجهول مضارع	ماده مضارع معلوم
دزدیده شدن	dez-yâ-	dez-yē-	dez-
کشته شدن	kuž-yâ-	kuž-yē-	kuž-
کرده شدن	ker-yâ-	ker-yē-	ker-

xwer-	xwer- yē-	xwer- yâ-	خورده شدن
ber-	ber-yē-	ber-yâ-	برده شدن

۲- ۱- ۴. ماده جعلی

الف. ماده مضارع جعلی: ماده مضارع جعلی به یکی از این روش‌های زیر ساخته

می‌شود:

اسم، به ویژه اسم صوت، ماده مضارع قرار می‌گیرد. مانند:

اسم / اسم صوت		ماده مضارع جعلی	
ĵang	جنگ	ĵang-	جنگیدن
ĵūła	تکان	ĵūła -	جنبیدن
pel	غلت	pel -	غلت خوردن
taqa	صدا	taq -	ترکیدن
xeša	خش خش	xeš -	لیز خوردن

اسم، به ویژه اسم صوت، با افزوده شدن تکواژ جعلی ساز «-ēn» تبدیل به ماده مضارع لازم

می‌شود. مانند:

اسم		ماده مضارع جعلی	
qiža	جیغ (اسم صوت)	qiž-ēn-	جیغ زدن
zerika	جیغ	zerik-ēn-	جیغ زدن
qoŕa	صدای گاو	qoŕ-ēn-	ماغ کشیدن گاو
boŕa	صدای ماشین	boŕ-ēn-	صدای ماشین درآوردن

همچنین صفت با افزوده شدن تکواژ «-yē» تبدیل به ماده مضارع می‌شود. این ماده‌های

جعلی، به قیاس با ماده‌های مجهول ساخته می‌شوند و همگی لازم‌اند.

صفت		ماده مضارع جعلی	
-----	--	-----------------	--

دیوانه شدن	lēw-yē-	دیوانه	lēwa
------------	---------	--------	------

ب. ماده ماضی جعلی

ماده ماضی جعلی با افزوده شدن تکواژهای ماضی ساز «-i»، «-â» یا «-yâ» به آخر ماده

مضارع ساخته می شود:

ماده ماضی جعلی	ماده ماضی اصلی	ماده ماضی جعلی	ماده ماضی اصلی
دزدیدن	dezi -	dez -	دزدیدن
خرد کردن	jeni -	jen -	خرد کردن
شکستن	šekyâ -	šek -	شکستن
افتادن	řemyâ -	řem -	افتادن
کوبیدن	kutâ -	kut -	کوبیدن
ترکیدن	taqi -	taq -	ترکیدن
لیز خوردن	xešyâ -	xeš -	لیز خوردن
جنیندن	jūlyâ -	jūla -	جنیندن

تکواژ ماضی ساز برای ماده های مضارع جعلی که با «-ēn» ساخته شده اند، «-d» است که با افزودن آن، «-ēn» به گونه «-ân» تبدیل می شود. معمولاً d- بعد از ân- حذف می شود.

مثال:

ماده ماضی جعلی	ماده ماضی اصلی	ماده ماضی جعلی	ماده ماضی اصلی
جیغ زدن	qiž-ân-(d)-	qiž-ēn-	جیغ زدن
ماغ کشیدن گاو	qoř-ân-(d)-	qoř-ēn-	ماغ کشیدن گاو

۲-۲. مصدر و صفت فعلی گذشته (صفت فاعلی و صفت مفعولی)

مصدر: پسوند مصدر در زبان کردی «-en» است که به ماده ماضی افزوده می شود. در ماده های مختوم به مصوت، از پسوند مصدر e حذف می گردد. چنین وضعیتی بیش تر در ماده های ماضی جعلی پیش می آید.

معنی	مصدر	ماده ماضی
انداختن	xest-en	xest-
افتادن	kaft-en	kaft-
رساندن	gayând-en	gayând-
کوبیدن	kutâ-n	kutâ-
شکستن	šekyâ-n	šekyâ-
خزیدن	xezyâ-n	xezyâ-
قهر کردن	toryâ-n	toryâ-
فرورفتن	čaqi-n	čaqi-

صفت فعلی گذشته: صفت فعلی گذشته از ماده ماضی و پسوند «(e)g» ساخته

می شود. چنانچه ماده ماضی، لازم باشد، صفت فعلی معنای فاعلی دارد و چنانچه متعدی باشد، معنای مفعولی دارد.

	صفت مفعولی گذشته	صفت فاعلی گذشته	ماده ماضی لازم
نشسته		nešt-eg	nešt-
ایستاده		wēsyâ-g	wēsyâ-
پلاسیده		ganyâ-g	ganyâ-
افتاده		kaft-eg	kaft-
خوابیده		xaft-eg	xaft-
بریده	befi-g		befi-

xest-		xest-eg	افکنده
kutâ-		kutâ-g	کوبیده
dūrâ-		dūrâ-g	دوخته
čeni-		čeni-g	بافته

۲-۳. پیش فعل‌ها

الف. پیشوند وجه التزامی و امری: پیشوند وجه التزامی و نیز وجه امری «be-»

است. مصوت e در «be-» گاهی با مصوت آغازین ماده ادغام می‌شود:

be-xaf-a	بخواب
be-kaf-en	ببفتید
be-sūt-em	بسوزم
be-nūs-en	بنویسند
*be- + ēž-en → bēžen	بگویند

ب. پیشوند استمرار: پیشوند استمرار «a-» است که در مضارع اخباری و ماضی

استمراری به کار می‌رود. گاهی a با مصوت آغازین ماده ادغام می‌شود. مثال:

a-kaft-en	می‌افتادند
a-xaf-em	می‌خوابم
*a- + ēž-em → ēžem/ ayžem	می‌گویم

پیشوند استمرار فارسی «می-» تنها در یک مورد به صورت «ma-» به کار می‌رود:

maš(e)yâ(yē) «می‌بایست».

در فعل‌های منفی، a با مصوت a در پیشوند نفی «na-» ادغام شده و «â» ایجاد می‌شود.

نک: پیشوند نفی.

ج. پیشوند نفی: پیشوند نفی «na-» است. در مضارع اخباری این پیشوند هنگام وصل

به a استمرار با آن ادغام می‌شود و «â» پدید می‌آید:

hâtem	na-hâtem	نیامدم
xwârd-et	na-t xwârd	نخوردی
a-nûsem	nâ-nûsen	نمی‌نویسند
a-xafem	nâ-xafem	نمی‌خوابم

در ماضی استمراری منفی «â-» استمرار در «a» واقع در وند منفی ساز (na-) ادغام

نمی‌شود:

a-kaftem	na-akaftem	نمی‌افتادم
a-hâten	na-ahâten	نمی‌آمدند

این پیشوند گاهی تحت تأثیر صامت میانجی تغییر می‌کند، چنان که در

«niyam» (نیستم) دیده می‌شود.

د. پیشوند نهی: پیشوند نهی «ma-» و «na-» است:

ma-wêsen	نایستید	na-niša	ننشین
----------	---------	---------	-------

ه. شناسه‌های فعل

شناسه‌های فعل در گویش اردلانی در جدول زیر آمده‌اند:

	مفرد	جمع
اول	-em	-in
دوم	-i(t)	-en
سوم	-ē(t)	-en

شناسه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع به طور کامل مانند هم هستند. مصوت

آغازین شناسه‌ها، هنگام اتصال به ماده‌های مختوم به مصوت، در صیغه‌های اول شخص و

سوم شخص مفرد و دوم شخص و سوم شخص، حذف و در دوم شخص مفرد و اول شخص جمع به صامت *y* تبدیل می‌شود. مثال:

a-xa-m	می اندازم	a-xa-yn	می اندازیم
a-xa-y(t)	می اندازی	a-xa-n	می اندازند
a-xâ(t)	می اندازد	a-xa-n	می اندازند

در صرف ماضی افعال متعددی که ساخت ارگتیو دارند، شناسه‌ها به کار نمی‌روند، بلکه ضمایر شخصی متصل که کننده فعل را مشخص می‌کنند، حکم شناسه دارند. این ضمایر در جدول زیر آمده‌اند:

شخص	مفرد	جمع
اول	-m	-mân
دوم	-t	-tân
سوم	-i	-yân

۲- ۴. زمان و وجه، نمود و باب

در کردی اردلانی فعل از نظر زمان، وجه، نمود و باب دارای این انواع است: مضارع اخباری، مضارع التزامی، امری، مضارع در جریان، ماضی ساده، ماضی التزامی، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی در جریان. در این گویش ساخت ماضی ابعده، ماضی التزامی بعید، و ماضی بعید نقلی وجود ندارد. برای زمان آینده نیز ساخت مشخصی وجود ندارد و برای بیان آینده، مضارع اخباری را به کار می‌برند.

در اینجا پس از بیان شیوه ساخت فعل در هر یک از انواع فوق، برای نمونه صرف فعل لازم «افتادن» (kaften/ kaf-) و فعل متعدی «انداختن» (xesten/ xa-) و نیز برخی فعل‌های خاص، از جمله فعل‌های کمکی و وجهی، آورده می‌شود.

۲-۴-۱. مضارع اخباری

برای ساخت مضارع اخباری «a-» پیشوند استمرار به ماده مضارع و شناسه‌ها افزوده

می‌شود:

a-kaf-em	می‌افتم	a-kaf-in	می‌افتم
a-kaf-i(t)	می‌افتی	a-kaf-en	می‌افتید
a-kaf-ē(t)	می‌افتد	a-kaf-en	می‌افتند

a-xa-m	می‌افکنم	a-xa-yn	می‌افکنیم
a-xa-y(t)	می‌افکنی	a-xa-n	می‌افکنید
a-xâ(t)	می‌افکند	a-xa-n	می‌افکنند

برای صرف منفی آن، -na افزوده می‌شود:

nâ-kaf-i(t)	نمی‌افتی	nâ-kaf-en	نمی‌افتید
-------------	----------	-----------	-----------

مضارع اخباری -bün/ w- «بودن، هستیدن، شدن»:

در معنای شدن:

a-w-em	می‌شوم	a-w-in	می‌شویم
a-w-i(t)	می‌شوی	a-w-en	می‌شوید
a-w-ē(t)	می‌شود	a-w-en	می‌شوند

در معنای بودن و هستیدن:

ام	ham	ایم	hayn
ای	hay(t)	اید	han
است	has	اند	han

این فعل با حذف h آغازی، می تواند به شکل متصل یا پیوستی به کار رود:

ام	-em	ایم	-in
ای	-i(t)	اید	-en
است	-a/-s	اند	-en

در سوم شخص مفرد، هنگام اتصال به واژه های مختوم به مصوت، به جای «a»، «s»

نمود پیدا می کند. مانند: gawra-s «بزرگ است» یا صامت میانجی می گیرد. مانند: ki-y-

a → -a + kē «کیست؟»؛ âhū-w-a «آهو است».

در فعل های آمدن و آوردن، a- استمرار می تواند ظاهر نشود:

(a-)tē-m	می آیم	(a)tēr-em	می آورم
----------	--------	-----------	---------

۲-۴-۲. مضارع التزامی

مضارع التزامی با افزودن وند وجه التزامی (be-) به ماده مضارع و شناسه های فعلی

ساخته می شود:

be-kaf-em	بیفتم	be-kaf-in	بیفتم
be-kaf-i(t)	بیفتی	be-kaf-en	بیفتید
be-kaf-ē(t)	بیفتد	be-kaf-en	بیفتند

be-xa-m	بیندازم	be-xa-yn	بیندازیم
be-xa-y(t)	بیندازی	be-xa-n	بیندازید

be-xâ(t)	بیندازد	be-xa-n	بیندازند
----------	---------	---------	----------

مضارع التزامی bûn «بودن»:

be-w-em	باشم	be-w-in	باشیم
be-w-i(t)	باشی	be-w-en	باشید
be-w-ē(t)	باشد	be-w-en	باشند

۲- ۴- ۳. فعل امر

فعل امر فقط دوم شخص دارد و با افزودن وند وجه امری (be-) به ماده مضارع و شناسه ساخته می شود. در صیغه مفرد مصوت (a) به آخر آن افزوده می گردد که برخی از محققین از جمله (قاضی: ۱۳۶۷، ۱۸) آن را شناسه گرفته اند:

be-kaf-a	بیفت	be-kaf-en	بیفتید
be-x-a	بینداز	be-xa-n	بیندازید

فعل نهی با افزودن وند نفی (ma-/na-) به جای وند امری ساخته می شود:

ma-/na-kaf-a	نیفت	ma-/na-kaf-en	نیفتید
ma-/na-x-a	نینداز	ma-/na-xa-n	نیندازید

۲- ۴- ۴. مضارع در جریان (مستمر)

در زبان کردی برای ساختن فعل در جریان، از صرف مضارع اخباری فعل کمکی

xarik bûn، «مشغول بودن» و مضارع اخباری فعل اصلی استفاده می شود.

xarik-em akafem	دارم می افتم	xarik-in akafin	داریم می افتم
xarik-i(t) akafi(t)	داری می افتی	xarik-en akafen	دارید می افتید
xarik-a akafē(t)	دارد می افتد	xarik-en akafen	دارند می افتند

xarik-em axam	دارم می اندازم	xarik-in axayn	داریم می اندازیم
xarik-i(t) axay(t)	داری می اندازی	xarik-en axan	دارید می اندازید

xarik-a axâ(t)	دارد می اندازد	xarik-en axan	دارند می اندازند
----------------	----------------	---------------	------------------

گاهی xarik برای همه صیغه‌ها با -a، سوم شخص مفرد bün، به کار می‌رود:

xarik-a akafem	دارم می افتم	xarik-a akafi(t)	داری می افتی
----------------	--------------	------------------	--------------

۲- ۴- ۵. ماضی ساده

در خصوص افعال ماضی باید خاطر نشان کرد که صرف فعل‌های لازم و متعدی با هم فرق دارند؛ فعل‌های ماضی متعدی به شیوه ارگتیو صرف می‌شوند. این نحوه صرف ماضی متعدی بازمانده شیوه ارگتیو ایرانی میانه است.

الف. ماضی ساده لازم: این فعل از ماده ماضی و شناسه‌ها ساخته می‌شود. سوم

شخص مفرد شناسه نمی‌گیرد:

kaft-em	افتادم	kaft- in	افتادیم
kaft- i(t)	افتادی	kaft-en	افتادید
kaft	افتاد	kaft-en	افتادند

ماضی ساده bün «بودن»:

bū-m	بودم / شدم	bū-yn	بودیم / شدیم
bū-y(t)	بودی / شدی	bū-n	بودید / شدید
bū	بود / شد	bū-n	بودند / شدند

این فعل چنانچه بعد از کلمه‌ای قرار گیرد، به صورت زیر درمی‌آید:

žir w-em	عاقل بودم	žir w-in	عاقل بودیم
žir w-i(t)	عاقل بودی	žir w-en	عاقل بودید
žir ū	عاقل بود	žir w-en	عاقل بودند

ب. ماضی ساده متعدی

ماضی ساده متعدی از ماده ماضی و ضمایر شخصی متصل ساخته می‌شود. این فعل، بسته به جایگاه ضمایر شخصی متصل، به دو شکل صرف می‌شود؛ ضمایر ممکن است پس از ماده فعل یا قبل از آن قرار گیرد. مثال:

xest-em	انداختم	xest-mân	انداختیم
xest-et	انداختی	xest-tân	انداختید
xest-i	انداخت	xest-yân	پانداختند

مفعول، ضمیر، وند نفی، نشانه

استمراری، پیشوند فعلی، فعلیار و ... می‌چسبند.

فعل‌های مرکب یا پیشوندی لازم و افعال جعلی لازم که با *-ân* ساخته می‌شوند، مانند

افعال متعدی، به شیوه ارگاتیو صرف می‌شوند:

âw-em xwârd	آب خوردم
kučk-em xest	سنگ انداختم
a-tân xest	می‌انداختید
dâ-y xest	انداخت
hał-et xest	بالا انداختی
na-yân xest	نینداختند
gałâ-m dâxest	برگ را انداختم
yâri-t dâ	یاری کردی
jûla-m na-kerd	تکان نخوردم
dâ-yân kerd	خالی کردند
qižân-tân	جیغ زدید

۲-۴-۶. ماضی استمراری

این فعل با افزودن نشانه استمراری -a به اول ماضی ساده ساخته می شود:

a-kaft-em	می افتادم	a-kaft- in	می افتادیم
a-kaft- i(t)	می افتادی	a-kaft-en	می افتادید
a-kaft	می افتاد	a-kaft-en	می افتادند

ماضی استمراری būn:

a-wū-m	می شدم	a-wū-yn	می شدیم
a-wū-y(t)	می شدی	a-wū-n	می شدید
a-wū	می شد	a-wū-n	می شدند

در فعل های متعدی ضمائر شخصی به نشانه استمراری می چسبند:

a-m xest	می انداختم	a-mân xest	می انداختیم
a-t xest	می انداختی	a-tân xest	می انداختید
a-y xest	می انداخت	a-yân xest	می انداختند

به علاوه، همه حالت هایی که برای ماضی ساده متعدی در خصوص محل قرار گرفتن

ضمائر متصل ذکر شد، در این مورد هم صدق می کند. مانند:

۲-۴-۷. ماضی التزامی

kučk-em a-xest	سنگ می انداختم	na-yân a xest	نمی افکندند
----------------	----------------	---------------	-------------

الف. ماضی التزامی لازم: از ماده ماضی، wēt و شناسه ها ساخته می شود:

kaft wēt -em	افتاده باشم	kaft wēt -in	افتاده باشیم
kaft wēt -i(t)	افتاده باشی	kaft wēt -en	افتاده باشید
kaft wēt Ø	افتاده باشد	kaft wēt -en	افتاده باشند

ب. ماضی التزامی متعدی: از مادهٔ ماضی، wēt و ضمایر شخصی متصل ساخته

می شود:

xest wēt-em	افکنده باشم	xest wēt-mân	افکنده باشیم
xest wēt-et	افکنده باشی	xest wēt- tân	افکنده باشید
xest wēt-i	افکنده باشد	xest wēt- yân	افکنده باشند

ضمایر متصل می توانند پیش از مادهٔ ماضی هم ظاهر می شوند: na-m xest wēt

«نینداخته باشم».

در اردلانی نوعی فعل التزامی وجود دارد که برای بیان شرط، آرزو و احتمال هم در

زمان ماضی و هم در مضارع به کار می رود. این فعل نیز دو گونهٔ لازم و متعدی دارد:

لازم: از-be، مادهٔ ماضی، âyē، و شناسه‌ها ساخته می شود. مثال:

be-kaft-âyē-m		be-kaft-âyē-yn
be-kaft-âyē-y(t)		be-kaft-âyē-n
be-kaft-âyē-(t)		be-kaft-âyē-n

xozyâ be-kaft-âyē-y(t) a šârakay xomân	کاش افتاده بودی شهر خودمان.
---	-----------------------------

متعدی: از-be، مادهٔ ماضی، âyē، و ضمایر شخصی متصل ساخته می شود. مثال:

be-m xest-âyē(t)		be-mân xest-âyē(t)
be-t xest-âyē(t)		be-tân xest-âyē(t)
b-i xest-âyē(t)		be-yân xest-âyē(t)

agar beyân xest- âyē-y(t) a ēra ačūyn bo lây	اگر می انداختندش اینجا، به او سر می زدیم.
---	--

۲- ۴- ۸. ماضی نقلی

الف. ماضی نقلی لازم: با افزودن شکل متصل bûn به صفت فاعلی گذشته ساخته

می شود:

kafteg-em	افتاده ام	kafteg-in	افتاده ایم
kafteg-i(t)	افتاده ای	kafteg-en	افتاده اید
kafteg-a	افتاده است	kafteg-en	افتاده اند

ماضی نقلی bûn: «بودن، شدن»

bû-w-em	بوده ام	bû-w-in	بوده ایم
bû-w-i(t)	بوده ای	bû-w-en	بوده اید
bû-w-a	بوده است	bû-w-en	بوده اند

ب. ماضی نقلی متعدی: از صفت مفعولی و ضمائر شخصی متصل و a (سوم شخص

مفرد متصل فعل bûn) ساخته می شود:

xesteg-m-a	انداخته ام	xesteg-mân-a	انداخته ایم
xesteg-t-a	انداخته ای	xesteg-tân-a	انداخته اید
xesteg-y-a	انداخته است	xesteg-yân-a	انداخته اند

ضمایر، بسته به جمله و وجود مفعول یا جزیی دیگر، ممکن است به چیز دیگری

بچسبد. مثال: nahâr-mân xwârdeg-a «ناهار خورده ایم».

۲- ۴- ۹. ماضی بعید

الف. ماضی بعید لازم: از صفت فاعلی گذشته و مضارع اخباری فعل کمکی bûn

(بودن) ساخته می‌شود.

kaftū w-em	افتاده بودم	kaftū w-in	افتاده بودیم
kaftū w-i	افتاده بودی	kaftū w-en	افتاده بودید
kaftū w	افتاده بود	kaftū w-en	افتاده بودند

ماضی بعید bûn:

bū-wū-m	شده بودم	bū-wū-yn	شده بودیم
bū-wū-y(t)	شده بودی	bū-wū-n	شده بودید
bū-wū	شده بود	bū-wū-n	شده بودند

ب. متعدی: از صفت مفعولی گذشته و سوم شخص مفرد ماضی فعل bûn و ضمائر

شخصی متصل ساخته می‌شود.

xestū w-em	انداخته بودم	xestū w-mân	انداخته بودم
xestū w-et	انداخته بودم	xestū w-tân	انداخته بودم
xestū w-i	انداخته بودم	xestū w-yân	انداخته بودم

آنچه درباره ماضی ساده متعدی از نظر جایگاه فاعل گفته شد، درباره ماضی بعید

متعدی هم صادق است:

kučkaka-yân xestūw	سنگ را انداخته بودند
geštyân-em xestū w	همه‌شان را انداخته بودم

ماضی در جریان از واژه xarik، صرف ماضی ساده būn و ماضی استمراری فعل

اصلی ساخته می‌شود:

xarik w-em a-kaft-em	داشتم می‌افتادم
xarik w-i(t) a-kaft- i(t)	داستی می‌افتادی
xarik ū a-kaft	داشت می‌افتاد
xarik w-in a-kaft- in	داشتیم می‌افتادیم
xarik w-en a-kaft-en	داشتید می‌افتادید
xarik w-en a-kaft-en	داشتند می‌افتادند

xarik w-em a-m xest	داشتم می‌افکندم
xarik w-i(t) a- a-t xest	داستی می‌افکندی
xarik ū a-y xest	داشت می‌افکند
xarik w-in a-mân xest	داشتیم می‌افکندیم
xarik w-en a-tân xest	داشتید می‌افکندید
xarik w-en a-yân xest	داشتند می‌افکنده

۲- ۴- ۱۱. صرف بعضی فعل‌های خاص یا پرکاربرد:

«خواستن»:

در کردی مصدر «خواستن» وجود ندارد. برای بیان مفهوم آن از garak، صفت و به

معنای «لازم» و «مورد نیاز»، و سوم شخص مفرد متصل būn استفاده می‌شود: a- برای

مضارع و -bā- (bū →) برای ماضی:

garak-m-a ^{۲۵}	می خواهم	garak-mân-a	می خواهیم
garak-t-a	می خواهی	garak-tân-a	می خواهید
garak-y-a	می خواهد	garak-yân-a	می خواهند

داشتن

در کردی مصدر «داشتن» وجود ندارد. برای بیان مفهوم آن از یک ساخت نحوی

استفاده می‌شود. از ضمائر شخصی متصل و ماضی سوم شخص مفرد bûn استفاده

می‌شود^{۲۶}: has برای مضارع و bû برای گذشته:

has-em	دارم	has-mân	داریم
has-et	داری	has-tân	دارید
has-i	دارد	has-yân	دارند

bû-m	داشتم	bû-mân	داشتیم
bû-t	داشتی	bû-tân	داشتید
bû-y	داشت	bû-yân	داشتند

۲-۴-۱۲. فعل مجهول

از آنجا که در زبان کردی ماده مجهول وجود دارد، در ساخت فعل مجهول، برخلاف

سایر زبان‌ها و برخی از گویش‌های ایرانی جدید، از جمله زبان فارسی، از افعال کمکی

استفاده نمی‌شود، بلکه مانند زبان‌های ایرانی باستان و میانه، با استفاده از ماده مجهول و با

همان ساختارهای فعل معلوم ساخته می‌شود. مثال:

a-x(e)ryē-n	انداخته می‌شوند	مضارع اخباری مجهول:
b(e)-xeryē-n	انداخته بشوند	مضارع التزامی مجهول:

b(e)-xeryē-n	انداخته بشوید	امر مجهول:
xarik-a a-xeryē-(t)	دارد افکنده می شود	مضارع در جریان مجهول:
xeryâ-n	افکنده شدند	ماضی ساده مجهول:
xeryâg wēt-en	افکنده شده باشند	ماضی التزامی مجهول:
a-xeryē-n	افکنده می شدند	ماضی استمراری مجهول:
xeryâg-en	افکنده شده اند	ماضی نقلی مجهول:
xeryâg w-en	افکنده شده بودند	ماضی بعید مجهول:
xarik w-en a-xeryâ-n	داشتند انداخته می شدند	ماضی در جریان مجهول:

۲-۵. فعل های کمکی و وجهی

(۱) **būn**: از این فعل در ساخت زمان ها و وجه های گوناگون استفاده می شود:

-مضارع اخباری متصل برای مضارع در جریان و ماضی نقلی لازم (بنگرید به: مضارع

در جریان و ماضی نقلی).

-مضارع التزامی سوم شخص مفرد بدون «be-» (wēt)، برای ماضی التزامی (بنگرید به:

ماضی التزامی).

-مضارع اخباری سوم شخص مفرد متصل برای ماضی نقلی متعدی (بنگرید به: ماضی

نقلی متعدی).

-ماضی ساده برای ماضی در جریان و ماضی بعید لازم (بنگرید به ماضی بعید).

-سوم شخص مفرد برای ماضی بعید متعدی (بنگرید به: ماضی بعید).

(۲) «**xarik bûn**» (مشغول بودن) در مضارع در جریان و ماضی در جریان به کار می‌رود (بنگرید به: مضارع در جریان و ماضی در جریان).

(۳) **garak bûn** (خواستن) و **twânin** (توانستن) فعل‌های کمکی شخصی‌اند؛ تابع آن‌ها به صورت مضارع التزامی می‌آید:

garak-m a bečem	می‌خواهم بروم
garak-y-û bečē(t)	می‌خواست برود
a-twân-em bečem	می‌توانم بروم
twâni-tân bečen	توانستید بروید

(۴) **šeyân** (شایستن، بایستن): این فعل غیر شخصی است. مضارع آن «**ašē**» (باید) و

تابع آن، فعل التزامی است. مانند:

ašē bečem	باید بروم	ašē čūwētem	باید رفته باشم
ašē b(e)čwâyēm	بایست می‌رفتم		

ماضی سوم شخص مفرد آن **aš(e)yâ(yē)** «بایست / بایستی» یا **maš(e)yâ(yē)**

«می‌بایست / می‌بایستی» است که با شکل خاصی از فعل التزامی به کار می‌رود:

aš(e)yâ b(e)čwây(i)t	می‌بایست می‌رفتی
----------------------	------------------

۳- نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق، ویژگی‌های صرف فعل اردلانی را، با تأکید بر

ویژگی‌های مهم و شاخص آن می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

-در اردلانی مانند سایر گونه‌های کردی و بر خلاف سایر گویش‌های ایرانی از جمله فارسی معیار، ماده مجهول ایرانی باستان و میانه باقی مانده است.

-مهم‌ترین ویژگی اردلانی در موضوع صرف فعل، وجود تفاوت در صرف افعال لازم و متعدی در زمان ماضی است. ساخت ارگتیو ایرانی میانه، در این گویش باقی مانده است. در این ساخت از شناسه‌های فعلی استفاده نمی‌شود و به جای آن‌ها ضمائر شخصی متصل حکم شناسه پیدا کرده و جزء ثابت فعل شده‌اند.

-در این گویش ساخت مشخصی برای آینده وجود ندارد. مضارع اخباری بر آینده نیز دلالت می‌کند.

-در اردلانی نوعی فعل التزامی وجود دارد که برای بیان شرط، آرزو و احتمال هم در زمان ماضی و هم در مضارع به کار می‌رود.

-در اردلانی مصدرهای «خواستن» و «داشتن» وجود ندارد. برای بیان مفهوم خواستن از فعل *garak bün*، «لازم بودن» در سوم شخص مفرد متصل استفاده می‌شود. برای بیان مفهوم داشتن از ضمائر شخصی متصل و ماضی سوم شخص مفرد *bün* استفاده می‌شود.

منابع

الف. منابع فارسی

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳)؛ **دستور تاریخی زبان فارسی**؛ تهران: سمت، چاپ چهارم
- بدلیسی، میرشرفخان، (۱۳۷۷)؛ **شرفنامه**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- بلو، جویس (۱۳۸۳)؛ «کردی»، در **راهنمای زبان‌های ایرانی**؛ جلد دوم، ویراستار: اشمیت، رودریگر، ترجمه آرمان بختیاری...، تهران: ققنوس.
- کلباسی، ایران، (۱۳۶۲)؛ **گویش کردی مهابادی**؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- کریمی دوستان، غلامحسین و ویسی، رحمان، (۱۳۸۷)؛ «حفظ یک ماده ساز باستانی در ساخت فعل مجهول در کردی»، *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال ۴۱، ش ۱۶۱: ۱۴۷-۱۳۷.

References

- Abolghasemi, M. (2004). *Historical Grammar of Persian Language*. Tehran: Samt. (in Persian)
- Badlisi, M. (1998). *Sharafnameh*. Tehran: Asatir. (in Persian)
- Blau, J. (2004). "Kurdish", in *Compendium Linguarum Iranicarum*. (ed. Schmitt R., Trans. Bakhtiari A. ...). Tehran: Ghoghnoos. (in Persian)
- Kalbasi, I. (1983). *Kordish dialect of Mahabad*. Tehran: Institute of humanities and cultural studies. (in Persian)
- Karimi doustan, Gh. & Veisi R. (2004). *Preservation of an ancient passive maker in kurdish language*. Professional Journal of the literature and humanities faculty: Ferdawsi university of Mashad. 41(61): 137-147. (in Persian)